

بررسی اجمالی برخی سوره‌های جزء ۳۰ از ترجمه‌های مترجمان معاصر قرآن در زبان روسی*

(بررسی، مقایسه و سعی در تصحیح ترجمه‌های قرآن در زبان روسی: ترجمه کراچکوفسکی، عثمانف و پوروخووا)

علیرضا ولی پور

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

چکیده

قرآن کتاب راهنمای هدایت و تربیت انسان است، این آخرین پیام الهی برای بشریت، تا کنون به بیش از ۱۴۰ زبان مختلف جهان ترجمه شده که زبان‌های اروپایی، در تعداد و کثرت ترجمه‌ها بر اغلب زبان‌های دیگر دنیا برتری دارند. ۱۲۰ نوع ترجمه انگلیسی، حدود ۵۰ ترجمه فرانسوی، و ۱۰ ترجمه به زبان روسی، بیانگر گوشه‌ای از این حقیقت است. بدون تردید ترجمه‌ای کامل از قرآن مجید با توقع انعکاس همه دقایق و عمق مفاهیم آن ممکن نیست. سعی ما در این مقاله مقایسه و تطبیق ترجمه‌های معاصر

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی (بررسی، مقایسه و تصحیح ترجمه‌های جزء ۳۰ قرآن مجید در زبان روسی: ترجمه‌های کراچکوفسکی، عثمانف و پوروخووا) به شماره ۳۶۳/۳/۸۸۴ است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در دست انجام است.

قرآن در زبان روسی، با متن اصلی قرآن و نیز با ترجمه‌های متفاوت بوده است. امید است این مقاله کمکی باشد برای تأیید ادعای حق و رد ادعای ناحق مترجمان قرآن در مورد چگونگی و کیفیت ترجمه‌های قرآن در زبان روسی.

واژه‌های کلیدی

قرآن ، زبان روسی ، مقایسه ، مترجمان قرآن، متون اسلامی

مقدمه

قرآن سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر اسلام است. مسلمانان موظف به خواندن آن به زبان عربی شده‌اند. از زمان روی‌آوری غیر عرب‌ها به دین اسلام، موضوع ترجمه قرآن و میزان ترجمه‌پذیری آن چهره نمایانده است، گفته‌اند نخستین بار سلمان فارسی از رسول خدا (ص) درخواست صدور جواز ترجمه قرآن را به زبان فارسی نموده است.

از دانشمندان اسلامی کسی را سراغ نداریم که به ممنوع بودن ترجمه قرآن قائل شده باشد. اعتقاد به عدم جواز ترجمه قرآن، در عصر متأخرین پدید آمد، یعنی در قرن گذشته، در ترکیه عثمانی و توابع آن مانند سوریه و مصر، و شاید این ممنوعیت یک اندیشه استعماری و تبشیری باشد که خواسته‌اند اسلام را بدین‌وسیله محاصره کنند و از گسترش تعلیمات روح بخش آن در مناطق غیر عربی جلوگیری نمایند. (معرفت ۱۳۷۶، ص ۷)

پس می‌بینیم، که با درنظر گرفتن حجیت ظواهر قرآن و عمومی بودن استفاده صحیح و اصولی از ظواهر الفاظ آن، مسئله ترجمه قرآن پیش می‌آید که مهمترین و درعین حال ضروری‌ترین مسئله‌ای است که باید امروزه از نظر علمی و فنی مطرح و از نظر عملی نیز اقدامی قاطع و اساسی برای انجام آن بایسته است، تا خلأ و کمبودی که در این مورد وجود دارد، برطرف شود. همه باید قرآن را بفهمند تا بتوانند از آن الهام و رهنمود بگیرند،

بلکه این چراغ فروزان را به دست گرفته و در مسیر سعادت و هدایت پیش بروند. تردیدی نیست که همگانی بودن قرآن، ترجمه آن را اقتضا می‌کند و باید این کتاب آسمانی به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه گردد، تا همه مردم حتی آنانی که با زبان قرآن آشنا نیستند، بتوانند از حقایق عالی و همگانی آن برخوردار شوند. (نجمی، هریسی ۱۳۶۱، ص ۲۷)

ترجمه‌های کهن قرآن در اکثر زبان‌ها و من جمله در زبان روسی، هر چند از نظر قالب و ساختار کلام تحت‌اللفظی‌اند، اما بیشتر آنها دقت و استحکام نسبی زمان خود را دارا بوده‌اند. البته ساختار کلام تحت‌اللفظی بدان علت خوب است که با چنین روشی، دخل و تصرف و یا حذف و افزوده‌ای در ترجمه قرآن صورت نمی‌گیرد، نیز می‌توان لغزش‌ها را کنترل کرد، ولی نقصان چنین روشی آن است که چنین ترجمه‌ای نمی‌تواند آن‌گونه که باید و شاید مورد استفاده همگان قرار گیرد؛ زیرا ارتباط جمله‌ها و آغاز و انجام آن‌ها، به ویژه در آیات طولانی و پیچیده به وضوح مشخص نیست و خواننده به آسانی به معنای آن دست نمی‌یابد، در این حالت، تنها اهل فن می‌توانند مفهوم آیه را از ترجمه تحت‌اللفظی دریابند، اما برای مردم عادی، ترجمه‌های تحت‌اللفظی عملاً غیر قابل استفاده باقی می‌مانند.

قرآن کتاب هدایت و تربیت است و می‌توان از آیه آن نکته برگرفت و پند آموخت و در این راه، حتی برای عبرت‌اندوزی و پیمودن راه درست، از آفرینش، نحوه زندگی، خصوصیات، احکام و منافع حیوانات سخن گفته است که بی‌گمان سعی یک مترجم فرهیخته و متعهد باید آن باشد، تا با تلاش و دقت کامل، دستیابی به درست‌ترین شیواترین ترجمه را برای شیفتگان آموزه‌های قرآنی و معارف اسلامی فراهم سازد. هدف از انجام این تحقیق این نیست که ارزیابی جامعی از ترجمه‌های جزء سی قرآن در زبان روسی ارائه شود، بلکه اشکالات احتمالی شناسایی و بر طرف شود و راه برای ارزیابی ترجمه دیگر اجزاء هموار شود. هدف نهایی از این تحقیق، سعی در ارائه ترجمه‌ای گویا و

به دور از تحریف از جزء سی قرآن به زبان روسی معاصر است .

بحث و بررسی

کار بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان روسی را از مدتی قبل در درس بررسی ترجمه‌های متون اسلامی آغاز گردید ، یادآوری می‌شود، پیش از این اقدام، بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان روسی صورت نمی‌گرفت ، اما به هر حال این کار شروع شد و مورد علاقه و استقبال دانشجویان نیز واقع شد، و نتایج مثبتی به دنبال داشت و زمینه‌ای مفید و کاربردی برای فعالیتی پژوهشی را نیز پدید آورد.

در بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان روسی، ما با استفاده از متن عربی قرآن متون فارسی و روسی را با یکدیگر مقابله کرده‌ایم. و در برخی موارد نیز از شرح و تفسیر قرآن به زبان‌های فارسی و روسی بهره گرفته‌ایم . همچنین برخی مقالات مندرج در فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی انستیتوی خاورشناسی شهر سن پترزبورگ مورد مذاقه قرار گرفت. به این نکته اشاره می‌کنیم که بیشتر ترجمه‌های قدیمی و قبلی در زبان روسی، تا قبل از *سابلوف*^۱، مورد وثوق نیستند، ضمن آن که چاپ جدیدی از آن‌ها نیز در دسترس نیست .

لازم به یادآوری است که در حین انجام کار معلوم شد، روش‌های سنتی پژوهشی، به کار رفته در آثاری همچون کتاب راهنمای *فهارس القرآن*، نوشته محمود رامیار، (رامیار، ۱۳۴۲) و یا کتاب *کشف المطالب القرآن*، نوشته سید هاشم رسولی محلاتی (رسولی محلاتی ۱۳۶۷) همه نیازهای آماری ما را تأمین نمی‌کنند، بخصوص که بسامد کلمات متن قرآن با بسامد معانی آن‌ها در ترجمه همیشه برابر نیستند، از سوی دیگر نویسندگان لغت‌نامه‌های قرآنی کلمات هم‌ریشه را در یک فهرست قرار می‌دهند، در صورتی که

مترجمان قرآن در زبان روسی در بسیاری موارد، از کلمات هم‌ریشه استفاده نکرده‌اند و مترادف‌هایی به سلیقه خود درج نموده‌اند. اما، برای ما، به غیر از صحیح بودن ترجمه، روان و قابل فهم بودن آن نیز دارای اهمیت بوده است. بنابر این سعی نمودیم بسامد کلمات مورد استفاده شده در ترجمه‌ها را توسط برنامه نرم افزاری ضمیمه word شمارش نموده، و در صورت امکان از کلمات پر بسامدتر استفاده نماییم. برای مثال کلمه *облагодетельствовал* که در ترجمه آیه ۷ از سوره توحید، به معنای نعمت دادی (انعمت) است، در زبان روسی معاصر به ندرت به کار می‌رود، و بسامد این کلمه در تمام ترجمه قرآن توسط *کراچکوفسکی*^۱ و *عثمانف*^۲ فقط یک‌بار است، در حالی که می‌شود به جای آن از عبارت ساده‌تر و رایج‌تر و در عین حال پر بسامد مثل واژه *оказал благоддеяние* که همان معنی را می‌دهد، استفاده کرد.

در ضمن، علی‌رغم این که سوره حمد در جزء سی نمی‌باشد، اما از آن جایی که این سوره، کلید ورود به قرآن است، این سوره را نیز در شروع کار مورد بررسی خود قرار دادیم. هم‌زمان با تدریس بررسی ترجمه‌های متون اسلامی در ترم‌های ۶ و ۷ دوره کارشناسی زبان روسی، ترجمه برخی سوره‌ها نیز در کنار ترجمه‌های متون اسلامی مورد توجه قرار گرفت، این توجه در دوره کارشناسی ارشد عمیق‌تر شد و این ترجمه‌ها از منظر سبک‌شناسی و زیباشناسی کلامی نیز مورد بررسی قرار گرفت. به تجربه بر نویسنده ثابت شده که اشکالات عدیده‌ای از ابعاد گوناگون در فرم و محتوای ترجمه‌های قرآن به زبان روسی وجود دارد، برخی از این اشتباهات شاید از نظر برخی صاحب نظران قابل اغماض باشند، مانند، اشتباه و یا نارسا معنا کردن اسامی سوره‌های قرآن، برای مثال، خانم *پوروخووا*^۳ در ترجمه فاتحه‌الکتاب نوشته است *открывающая* و سپس ذیل آن

1- Крачковский

2- Османов

3- Порохова

آورده است аль фатиха (پوروخوو/ ۱۹۹۷، ص ۱۸)، به نظر می‌رسد، خانم پوروخوو/ معنی این عبارت را درک نکرده باشد، زیرا کلمه открывающая واژه‌ای توصیفی است و وظیفه کلمات توصیفی، آشکار ساختن بیشتر موضوع است، این کلمه را از نظر دستوری در زبان روسی، می‌توان صفت و یا صفت فعلی دانست، ساخت زبان روسی طوری است که صفت فعلی به مرور زمان به صفت و اسم تبدیل می‌شود، پس امکان دارد که کلمه‌ای با یک شکل ظاهری از لحاظ صرفی، هم اسم باشد و هم صفت باشد و هم صفت فعلی.

اما سؤال اصلی در این است که آیا چنین کلماتی می‌توانند در یک زمان و در یک جمله، هر سه معنای دستوری را داشته باشند؟

پاسخ این است که خیر چنین چیزی امکان ندارد! زیرا تشابه ظاهری در صرف ابهام برانگیز است و نحو که آن را می‌توان علم روابط محتمل و منطقی کلمات دانست، نقش تعیین و تبیین کننده دستوری کلمات را در جمله ایفاء می‌کند، نیز نحو ما را عقلایی رهنمود می‌دهد تا یک معنی و یا مفهوم دستوری را برای یک واژه خاص به کار ببریم.

بنابر این این سؤال مطرح می‌شود، که خانم پوروخوو/ کدام نقش دستوری را برای کلمه открывающая متصور شده؟ اگر صفت برای وی متصور شده، این صفت توصیف کننده کدام اسم است؟ و اگر صفت فعلی توسط ایشان متصور شده، اسم یا فاعل مرجع آن کدام است و در کجاست؟ قاعدتاً وی این کلمه را بدون هیچ مرجعی فقط اسم می‌توانسته تلقی کرده باشد.

آقای عثمانف نیز اسم اولین سوره قرآن را открывающая ترجمه کرده ولی در داخل پراکنش نوشته است (Коран) (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۹) و سرانجام کراچکوفسکی نیم قرن قبل، اسم اولین سوره قرآن را открывающая книгу (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۵) ترجمه کرده است، که به نظر من ترجمه صحیح‌تر، ترجمه کراچکوفسکی است. اما چرا؟ باید گفت که کراچکوفسکی با انتخاب عبارت

открывающая книгу قطعاً تصور نمی‌کرده که واژه открывающая اسم بوده، زیرا دو اسم پشت سر هم و بدون ارتباط منطقی نحوی بی‌معنا است. ضمناً открывающая از نظر کراچکوفسکی صفت نیز نمی‌توانسته متصور شده باشد، چون با اسم بعد از خود همخوانی ندارد، پس نتیجه می‌گیریم که وی کلمه открывающая را به‌عنوان صفت فعلی در این عبارت درج کرده است و آگاهانه اسم یا فاعل مرجع آن را برای زیبایی و اختصار کلام حذف نموده است، و به احتمال قریب به یقین، عبارت اولیه‌ی وی یکی از دو شق زیر بوده است:

- Та часть, которая открывает книгу.

- Сура, которая открывает книгу.

در واقع ترجمه کراچکوفسکی مبتنی بر تصور او بر سر‌آغازی این سوره است که گشاینده کتاب، یعنی همان فاتحه‌الکتاب، در صورتی که معانی عبارت پوروخوو/ فقط ترجمه شده، بازکننده! عبارت عثمانف نیز گنگ و ناروشن است، نهادن واژه قرآن در پرانتز نیز نشانه ابهام برای خود اوست، زیرا پرانتز در ترجمه اگر چه نشانه صداقت مترجم است، اما نشانه عجز مترجم نیز می‌تواند باشد، البته برخی مترجمان، از پرانتز استفاده تفسیری می‌کنند، برای مثال الهی قمشه‌ای به ترجمه قرآن خود، الحاقاتی نیز افزوده، ولی او این کار را پس از ترجمه کامل متن انجام داده و با شرح و حاشیه خود به تفهیم موضوع کمک کرده است. (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۲)

در واقع ضعف و عجز هنگامی بروز می‌کند که مترجم در کاربری واژگان دچار تردید می‌شود و یا این که در تشخیص روابط نحوی دچار ابهام می‌گردد، در چنین حالاتی است که او به پرانتز پناه می‌برد، و در واقع مترجم به نوعی، برای ابهام‌زدایی از خواننده کمک می‌گیرد، او برای رهایی از بن‌بست، انتخاب داخل و یا خارج پرانتز را به خواننده وا می‌گذارد، اما چه تضمینی وجود دارد، که خواننده پیام مناسب را انتخاب کند؟

در واقع مترجمی که از پرانتز زیاد استفاده می‌کند، مانند یک ماشین ترجمه عمل

می‌کند، حتی در سامانه‌های بسیار پیشرفته ماشینی، علی‌رغم تلاش فراوان طراحان آن‌ها، به‌علت اشکال در الگوریتم‌های درک زاینده آن‌ها، در انتخاب لغت و درک نحوی جملات دچار اشکال می‌شوند، این نقص به مرور و به‌کندی در حال رفع و بهبود است و طبیعی است که به مرور تعداد پراترها نیز کمتر می‌شوند.

اکنون با شرح این موضوع و لحاظ معیار مهم، به ترجمه‌های انجام شده توسط *ایگنانی کراچکوفسکی، نوری عثمانف، و والریا پوروخووا* بنگریم:

در ترجمه *کراچکوفسکی* به پراتر برنمی‌خوریم، اما در ترجمه *عثمانف* اولین کلمه با پراتر شروع شده و در تمام سطور و پاراگراف‌ها ادامه می‌یابد، البته بسیاری از آن‌ها حالت توضیحی دارند، با این‌حال این پراترها به زیبایی متن ترجمه صدمه زده‌اند. *پوروخووا* در مقایسه با *عثمانف*، از پراتر کمتر استفاده کرده است، اما این مطلب حسنی برای کار وی محسوب نمی‌شود و به‌نظر من وی می‌بایست به مراتب بیش‌تر از *عثمانف* از پراتر استفاده می‌کرد، زیرا نا‌آشنایی وی به زبان عربی، استفاده او از ترجمه‌های انگلیسی قرآن و پافشاری به دور از منطق علمی وی در دگرگون‌سازی واژگان مفاهیمی *کراچکوفسکی*، با مستمسک ترجمه نوین! (ادعای او در مقدمه بر متن ترجمه) و در نتیجه قربانی کردن محتوی قرآن، به خاطر نگارش آهنگین و شعر گونه، یادآور همان حکایتی است، که برای آرایش ابرو، چشم او را کور کرد!

پوروخووا همه قسم‌های قرآن را نشانه ترجمه کرده است، عجیب آنکه برای وی هیچ جای سؤال و تردید ایجاد نکرده، که به نشانه زمان یا صبح و شب یعنی چه؟! برای مثال در ترجمه سوره عصر، و اولین آیه آن که سوگند به عصر است، *پوروخووا* ترجمه کرده است В знак времени یعنی به نشانه زمان!!

(*پوروخووا* ۱۹۹۷، ص ۶۵۸) در صورتی که *کراچکوفسکی* سوگند به عصر Клянусь предвечерним временем (*کراچکوفسکی* ۱۹۹۱، ص ۴۹۵)، و *عثمانف* نیز اولین آیه از سوره عصر را، سوگند به عصر ترجمه کرده است. (*عثمانف*

(۱۹۹۵، ص ۳۹۶)

پوروخووا/ به‌خاطر همان نگارش آهنگین و شعر گونه، ارتباط معنایی و نحوی بسیاری از آیات قرآن را به‌هم ریخته و از بین برده است، برای مثال در آیات ۲ و ۳ از سوره حمد، به‌علت از بین بردن رابطه نحوی این دو آیه با آیه اول، ارتباط معنایی از هم گسسته شده، و حتی از حد ترجمه بد هم گذشته و به تحریف نزدیک شده، آیاتی که کراچکوفسکی آن‌ها را درست و روان ترجمه کرده و عثمانف نیز از کراچکوفسکی تبعیت کرده است.

ترجمه کراچکوفسکی: (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۵)

1(2). Хвала - Аллаху, Господу миров,

2(3). милостивому, милосердному,

3(4). царю в день суда!

ترجمه عثمانف: (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۹)

1-Хвала - Аллаху, Господу (обитателей) миров,

2-милостивому, милосердному,

3- властителю дня суда!

ترجمه پوروخووا: (پوروخووا ۱۹۹۷، ص ۱۸)

1-Хвала - Аллаху, Господу миров,

2- всемилостив, милосерден,

3- дня судного один он властелин

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ترجمه پوروخووا حمد (Хвала) به آیات ۲ و ۳

مرتبط نمی‌شود!

در ترجمه کراچکوفسکی و عثمانف حمد و ثنا بر الرحمن و الرحيم و مالک يوم الدين نیز ادامه یافته، اما در ترجمه پوروخووا، حمد را فقط برای آیه اول ذکر کرده است!!
 اشتباه در ترجمه کلمه رب، که به درستی به فارسی پروردگار ترجمه می‌شود. مترجمان روسی مورد نظر در این مقاله، آن را Господ به معنای آقا یا سرور ترجمه کرده‌اند، که به نظر می‌رسد این خطاب، اقتباس از فرهنگ مسیحیان ارتدوکس است و در فرهنگ اسلامی رایج نبوده و نیست. در صورتی که می‌بایست از کلمه воспитатель که اسم مشتق شده از مصدر воспитать به معنای تربیت کردن و به عمل آوردن، استفاده می‌شد. (نگاه شود به ترجمه سوره حمد توسط کراچکوفسکی و عثمانف)

متأسفانه از قرائن امر و اعتراف مترجمان معلوم می‌شود که مترجمان محترم، گاهی مفهوم آیات را به‌طور کافی درک نکرده‌اند و یا از ترجمه‌های زبان انگلیسی و یا فرانسه به‌جای استفاده از متن اصلی استفاده کرده‌اند و چه بسا از ترجمه‌ای ترجمه کرده‌اند که خود آن ترجمه غلط بوده است.

این گونه نواقص باعث شده گاهی ترجمه‌های غلطی، حتی در آیاتی که ترجمه آن‌ها دشوار نیست، صورت گرفته باشد، با این شرط که مترجم معنای آن را فهمیده باشد، مثلاً در ترجمه کلمه صمد در سوره توحید آن را به вечный یعنی ابدی ترجمه کرده‌اند! اشتباهی را که کراچکوفسکی کرده، دیگران نیز که مدعی ترجمه برتر و تصحیح شده‌اند، مجدداً تکرار کرده‌اند. در صورتی که کلمه صمد در سوره توحید به معنای بی‌نیاز است و می‌بایست ненуждающийся ترجمه شود (نگاه شود به ترجمه این کلمه در سوره توحید، ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی و عثمانف)، (کراچکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۹۸)، (عثمانف ۱۹۹۵، ص ۳۹۸).

خانم پوروخووا که ترجمه‌اش موزون است، کلمه صمد در سوره توحید را به

вечный ترجمه کرده، زیرا به خاطر قافیه‌سازی، به ناگزیر از واژه هم‌خانواده *извечен* استفاده نموده است! (پوروخوو/ ۱۹۹۷، ص ۶۶۳)

البته برخی از صاحب نظران بر این باورند که بخش عمده اشکالات موجود در ترجمه‌های قرآن، حاصل عدم تسلط و مهارت مترجمان کلام وحی در زبان مقصد است، و گرنه شاید بتوان با اندکی تسامح ادعا کرد که تقریباً همه مترجمان قرآن درک و برداشت مشابهی از مفاهیم آیات قرآنی داشته‌اند، لیکن به دلیل اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت آنان در زبان مقصد است که با ترجمه‌های مختلفی روبه‌روایم. به بیان دیگر، اختلاف‌های موجود در برگردان‌های گوناگون از قرآن، بیشتر ناشی از اختلاف مترجمان در نحوه تفهیم فحوای آیات در زبان مقصد است، تا فهم آنان از خود آیات. (صالحی، ۱۳۷۶)

البته نباید منکر اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت مترجمان قرآن در زبان روسی باشیم، اما یادآوری می‌شود، که اختلاف درجات و مراتب آشنایی و مهارت مقوله‌ای است، و غلط ترجمه کردن مقوله‌ای دیگر، مسئله‌ای که در ترجمه پوروخوو/ متأسفانه زیاد وجود دارد.

از شگفتی‌های دیگر وجود برخی اغلاط به ظاهر سهوی است که متأسفانه در چاپ‌های بعدی نیز تصحیح نشده است، برای مثال در چاپ‌های مکرر ترجمه قرآن توسط کر/چکوفسکی در آیه سوم سوره کافرون، آمده است:

и вы не поклоняйтесь тому,...

که معنای آیه کاملاً دگرگون شده، تا آن‌جا که به جای شما پرستش نمی‌کنید، آنچه را که من می‌پرستم، این‌گونه به ذهن متبادر می‌شود که، شما پرستش نکنید، آنچه را که من می‌پرستم!!! این تعجب وقتی بیشتر می‌شود که متأسفانه باز شاهدیم در آخرین چاپ از نسخه ترجمه قرآن توسط کر/چکوفسکی، که شمارگانی هفتاد هزار مجلدی داشته، علی‌رغم برخی تصحیحات درج شده در مقدمه آن، معهداً در ترجمه آیه سوم سوره کافرون،

دوباره آمده است:

И ВЫ НЕ ПОКЛОНЯЙТЕСЬ ТОМУ , ЧЕМУ Я БУДУ ПОКЛОНЯТЬСЯ.

(کر/چکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۴۹۷)

فعل اول در این جمله امری است در صورتی که می‌بایست مضارع باشد و فعل دوم آینده است، در صورتی که آن هم می‌بایست مضارع باشد.

غیر از اشکالات در مفهوم لغات و انتخاب نادرست مفاهیم از لحاظ سبک درخور و مناسب متن، اشکال دیگری که بر این ترجمه‌ها وارد است، ضعف در حیطة صرف و نحو زبان عربی است که حکایت از بنیة علمی ضعیف ایشان در این مقوله مهم و کلیدی است. برای مثال در اکثر آیات، در ترجمه پر بسامد فعل ربطی **گان**، فقط بر اساس شکل ظاهری، این فعل ربطی گذشته معنا شده. در صورتی که ترجمه آن می‌بایست، **است** باشد و نه، **بود**. برای مثال در ترجمه آیه ۶ از سوره یوسف به جای **کلمه/است**، واژه بود ترجمه شده است. (نگاه شود به ترجمه آیه ۶ از سوره یوسف توسط کر/چکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۸۵ و پوروخوو/ ۱۹۹۷، ص ۲۲۵).

نادرست‌تر از همه این موارد، برخی ترجمه‌هاست که مترجم مفهوم کلام را ندانسته و آن را تحریف کرده است. مثلاً در سوره یوسف (ع) هر جا که موضوع تلاش و قصد بر وسوسه کردن یوسف توسط زلیخا مطرح شده (مثل آیات ۲۶ و ۲۹) این مطلب از عمل غیر واقعی به عملی واقعی ترجمه شده است و از آنجایی که این فعل روی نداده، در جملاتی که فعل **соблазнять** به معنای وسوسه کردن آمده، باید قبل از این فعل از فعل **пыталась** و یا **хотела** استفاده می‌شد، تا به جای تحقق فعل تلاش و یا کوشش برای تحقق آن، مفهوم شود. (کر/چکوفسکی ۱۹۹۱، ص ۱۸۶)

بنابراین به علت وجود مسائل مطروحه، نیاز به ارزیابی و بررسی و سرانجام تصحیح ترجمه‌های قرآن برای اهداف مختلف ضروری است.

برای تحقق این هدف، اقداماتی را در مرحله اول انجام شده که در زیر به آن‌ها اشاره

بررسی اجمالی برخی سوره‌های جزء ۳۰ از ترجمه‌های مترجمان معاصر قرآن در زبان روسی ۱۸۹

می شود.

الف - تهیه ترجمه‌های چاپی قرآن که برخی از آن‌ها در دسترس ما قرار گرفتند، عبارت است از:

۱ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *سابلوکوف*، مسکو، ۱۹۳۰.

۲ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *ایگنانی کراچکوفسکی*، مسکو، ۱۹۹۱.

۳ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *پوروخووا*، تهران، ۱۹۹۷.

۴ - ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، *محمد نوری عثمانف*، مسکو، ۱۹۹۵.

ب- توجه به مقالات و بحث‌های نظری درباره ترجمه‌های قرآن مجید به زبان روسی و همچنین توجه به چگونگی انجام ترجمه قرآن مجید به زبان‌های دیگر.

این‌ها انگیزه‌هایی شدند تا افزون بر بررسی نقطه نظرات ارائه شده در مطبوعات داخلی، به جستجوی نقطه نظرات ارائه شده در مطبوعات خارجی با یاریگری از موتورهای جستجوگر اینترنت پرداخته شود، که روی هم رفته تعداد مقالات مورد بررسی در این زمینه بالغ بر ۵۰ عدد بوده است. عمده استفاده این مقاله از مطبوعات داخلی، به عنوان منبعی تخصصی و اطلاع‌رسانی در این زمینه، مجله تخصصی ترجمان وحی، نشریه مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی و مجله تحلیلی، پژوهشی گلستان قرآن، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

اولین ترجمه از قرآن به زبان روسی، که از متن قرآن کریم از زبان عربی بازگردانده شده، از *گوردی سابلوکف* (چاپ اول *قازان*، ۱۸۷۸) است، اما باید خاطر نشان کرد که قبل از وی مترجم توانمند دیگری به نام *دمیتری بوگوسلاوکی*^۱ تا سال ۱۸۷۱ نیز توانسته بود با استفاده از متن قرآن کریم از زبان عربی ترجمه‌ای نسبتاً روان از قرآن انجام دهد، اما این ترجمه به عللی، که بر ما روشن نیست هرگز چاپ نشد، و فقط نسخه دستنویس آن

قابل دسترس برای معدودی پژوهشگر در روسیه بوده است، در ضمن به نظر می‌رسد که این ترجمه به‌منظور چاپ و عرضه به‌مسلمانان روسیه نبوده است و حاکمان وقت روسیه، برای اطلاع از مبانی اسلام به آن توجه داشته و آن را از دسترس مردم دور نگه می‌داشتند، این روند به عنوان سیاست حاکمان شوروی تشدید شد و حکومتی، که جز ماده چیز دیگری را به رسمیت نمی‌شناخت، کتاب‌های نویسندگان معتقد به روح، مانند *داستایفسکی*^۱ را مضر و ممنوع اعلام کرد، بدیهی است موضع ایشان در قبال اسلام و قرآن به مراتب شدیدتر بود.

در واقع چاپ قرآن و در اختیار عموم قرار دادن آن در روسیه، هم در زمان تزاری و هم در دوران شوروی با موضع منفی دولت مواجه بوده است، اما ترجمه‌های قرآن به‌واسطه تحقیقات استراتژیک دولتی اهمیت داشت و مسئله ترویجی و تبلیغی جزء اهداف کارهای ترجمه قرآن نبوده است. حتی ترجمه نسبتاً خوب قرآن به زبان روسی توسط *کراچکوفسکی*، به منظور چاپ نبوده است، وی این کار را با همکاری آکادمیسین‌های دیگر شوروی برای شناخت از تاریخ اسلام انجام داده است. این کار که یک کار علمی در حوزه فعالیت‌های سفارش داده شده دولتی بود، امکان تحقق یافت و چون هدف از انجام این کار ترجمه قرآن برای چاپ آن نبود، تا مدت‌ها پس از مرگ *کراچکوفسکی* نیز چاپ نشد.

جالب این که هنوز پس از سپری شدن نیم قرن از مرگ وی و فروپاشی شوروی و به دست آمدن نسبی آزادی‌های دینی در روسیه، ترجمه دیگری نتوانسته برتری خود را بر آن ثابت نماید، ادعاهایی مانند، ادعای آقای عثمانف و یا خانم پوروخووا مبنی بر برتری ترجمه‌های آنان از ترجمه *کراچکوفسکی* محل بحث و بررسی دارد، سعی ما در انجام تحقیق و ارائه برخی مطالب آن در این مقاله، مقایسه و تطبیق هر کدام از این ترجمه‌ها

بررسی اجمالی برخی سوره‌های جزء ۳۰ از ترجمه‌های مترجمان معاصر قرآن در زبان روسی ۱۹۱

با متن اصلی قرآن از یک سو و تطبیق هر یک از آن‌ها با یکدیگر است، امید است که این تحقیق کمکی باشد برای تأیید ادعای حق و رد باطل. لازم به یادآوری است که پروفیسور عنایت‌الله رضا نیز ترجمه کراچکوفسکی را هنوز بهترین ترجمه در زبان روسی محسوب می‌نماید. (رضا ۱۳۷۱، ص ۲۲۱)

نتیجه‌گیری

ترجمه قرآن توسط ایگنانی کراچکوفسکی بی‌شک با تلاش و کوشش زیادی همراه بوده است. اما در عین حال نمی‌توان گفت که این ترجمه خالی از نقص است. اگر توجه داشته باشیم که هیچ‌گونه ترجمه کامل و بدون نقصی، حتی در زبان فارسی، یا دیگر زبان‌های متداول در کشورهای اسلامی وجود ندارد، اشتباهات این ترجمه نیز قابل درک و هضم خواهد بود، به خصوص این نکته نباید فراموش شود، که وی این کار عظیم را در زمان اوج آرمان‌های کمونیستی و با محدودیت‌های مخصوص آن زمان انجام داد. وقتی ترجمه‌های روسی قرآن کریم را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نمی‌توان به یکی از آنها به طور قطع به عنوان ترجمه صحیح اعتماد کرد. با این حال طبق بررسی‌های انجام شده، و به تصدیق صاحب نظران مختلف، ترجمه ایگنانی کراچکوفسکی اینک معروف‌ترین و گویا بهترین ترجمه قرآن به زبان روسی است.

منابع

- الهی قمشه ای، محی‌الدین مهدی، «ترجمه قرآن به زبان فارسی»، تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲.
- انصاری، محمدرضا، «نگرشی بر سیر ترجمه قرآن به زبان فارسی»، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۱، شهریور ۱۳۷۶، ۲۵-۳۸.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، «ترجمه قرآن کریم (همراه با توضیحات و واژه نامه)»، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۷۸.

- رامیار، محمود، «فهارس القرآن»، قم: انتشارات ارشاد، ۱۳۴۲.
- رسولی محلاتی، سید هاشم، «کشف المطالب القرآن»، تهران: انتشارات علمی اسلامیه، ۱۳۶۷.
- رضا، عنایت‌اله، «ایران‌شناسی در روسیه و اتحاد شوروی»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
- صالحی، مجید، فهم یا تفهیمی فارسی نویسی در ترجمه کلام وحی، ترجمان وحی، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۷۶، ۶۵-۷۵.
- معرفت، محمد هادی. بحثی درباره ترجمه قرآن مجید و امکان آن. ترجمان وحی، سال اول، شماره ۲، اسفند ۱۳۷۶، ۸-۲۲.
- معزی، محمد کاظم، «ترجمه قرآن به زبان فارسی»، تهران: انتشارات جهاد سازندگی، ۱۳۶۸.
- نجمی، محمد صادق؛ هریسی، هاشم، «شناخت قرآن»، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۱.
- Порохова В. *Коран*, Перевод смыслов и комментарии, Тегеран, 1997.
- Крачковский И.Ю. *Коран*, Пер. с араб. Москва, МНПП «Буква», 1991.
- Османов Н.О. *Коран*, Пер. с араб. и коммент, Москва, Ладомир, 1995.